

زمینه های اجرایی مجازات های اجتماعی

زهرا عابدی نژاد مهرآبادی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی - دانشگاه تربیت مدرس

چکیده:

به مجازات های اجتماعی که به عنوان یکی از راهکارها و بلکه مهمترین راهکار مقابله با بحران تراکم جمعیت کیفری توصیه و در بسیاری از نظام های عدالت کیفری به کار برده می شود، نباید نگاهی ابزاری داشت؛ بلکه این نوع مجازات ها را باید به عنوان نظامی جدید از ضمانت اجراها در کنار مجازات حبس تلقی کرد.

اجرای دقیق مجازات های اجتماعی مستلزم وجود پیش شرط ها و ساز و کارهای مناسب در این زمینه می باشد. بنابراین قبل از هر چیز باید در اندیشه بستر سازی مناسب و ایجاد زیر ساخت های لازم در جهت اجرای مؤثر مجازات های اجتماعی بود. اولین محور نهاد اجرای مجازات های اجتماعی است که قاضی اجرای مجازات در رأس این نهاد است. وظیفه قاضی اجرای مجازات علاوه بر اجرای مجازات این است که احکام را با روحیات و شخصیت مجرمین و محکومین منطبق نماید. دومین پیش شرط لازم، بایگانی جنایی دقیق و معتبر است. معمولاً یکی از شروط برخورداری از مجازات های اجتماعی نداشتن سابقه کیفری می باشد. مسلماً داشتن نظام بایگانی جنایی منسجم در این زمینه راهگشا می باشد. و آخرین پیش شرط مهم؛ نهاد های پذیرنده کار عام المنفعه یا خدمات اجتماعی مانند بیمارستان ها و شهرداری ها می باشد.

این مقاله در صدد است تا هر یک از پیش شرط های مذکور را در نظام های تطبیقی مورد مطالعه قرار داده و زمینه های تحقق آن را در نظام کیفری ایران مورد نقد و ارزیابی قرار دهد.

کلید واژه: مجازات های اجتماعی، قاضی اجرای مجازات، بایگانی جنایی، نهادهای

پذیرنده

مقدمه :

مجازات حبس بخش عمده ای از مجازات های موجود در قوانین کیفری را تشکیل می دهد. عدم تنوع در پاسخهای کیفری، قانون گذاری براساس اندیشه های کلاسیک حقوق جزا در کنترل جرم، انتظارات مردم از دستگاه عدالت کیفری، حبس گرایی در قضات که از عوامل مختلفی چون نظام آموزشی کیفری در دانشکده های حقوق و پایین بودن میزان و سهم یافته های علوم جنایی تجربی در این نظام ناشی شده است و بسیاری عوامل دیگر، باعث بروز معضلی به نام تراکم جمعیت کیفری در عصر حاضر گردیده است.

در پی افزایش جمعیت کیفری زندان ها و نا کار آیی سیاست های پرو مجازات حبس، چون اصلاح و درمان مجرم که از اندیشه های مکاتب تحقیقی و دفاع اجتماعی در حقوق کیفری ناشی شده است، تلاشهای ملی و بین المللی بسیاری در قالب سیاستهای مختلف صورت گرفته است.

شاید پیدایش مجازات های اجتماعی (Community punishments) را بتوان بارزترین این نوع تلاشها دانست.

به هر نوع سیاستی در یک نظام کیفری بادو نوع نگاه و رویکرد متفاوت می توان برخورد کرد: اول سیاست تعیین شده را بطور مبنایی مورد بررسی قرارداد؛ مانند اینکه « مجازاتهای اجتماعی» را بعنوان نسل جدیدی از مجازات ها و به منظور تناسب مجازات با شخصیت مجرم تلقی کرد.

دوم اینکه به آنها رویکردی ابزاری داشت؛ به این معنا که سیاست جایگزین را مستمسکی برای رهایی از معضل تراکم جمعیت کیفری در زندان ها تلقی کرد.

آنچه در سیاست جنایی کشور ما به چشم می خورد، بحث تخلیه زندان ها به منظور حل معضل تراکم جمعیت کیفری زندان می باشد و اندیشه ای که به اصلاح و درمان مجرم در بستر اجتماع معتقد است ، کمتر مجال ظهور یافته است .
پیش شرط های لازم برای اجرای مجازات های اجتماعی موضوع این تحقیق می باشد .

کلید واژه : مجازات های اجتماعی ، قاضی اجرای مجازات ، بایگانی جنایی - نهادهای پذیرنده .



بیان مسئله

اجرای هر نوع سیاستی در نظام کیفری مستلزم وجود امکانات اجرایی، نیروی انسانی، ایجاد فرهنگ متناسب با آن سیاست در جامعه و منابع مالی مورد نیاز می باشد. اجرای کارآمد و مؤثر مجازاتهای اجتماعی، مستلزم وجود پیش شرط ها و بسترهای مناسب در این زمینه است. در این پژوهش به بررسی مهم ترین پیش شرط های لازم برای اجرای مجازات های اجتماعی که شامل نهاد اجرای مجازات های اجتماعی، بایگانی جنایی دقیق و معتبر و نهاد های پذیرنده ی کارعام المنفعه یا خدمات اجتماعی است، پرداخته می شود.

سؤالات اساسی این پژوهش شامل موارد ذیر می باشد:

- ۱- آیا در لایحه مجازات های اجتماعی، پیش بینی «پیش شرط های اجرایی مجازاتهای اجتماعی» شده است؟
- ۲- آیا بایگانی جنایی دقیق و معتبری در نظام کیفری کشور ما برای اجرای مجازات های اجتماعی وجود دارد؟
- ۳- آیا قضات اجرای مجازات برای اجرای مجازات های اجتماعی آموزش داده شده اند؟
- ۴- آیا رویکرد نهادهای ارائه کننده خدمات عام المنفعه و اجتماعی، به مجازات های اجتماعی، از نوع رویکرد مشارکت پذیر است؟

اهداف تحقیق

اهداف پژوهش حاضر را به شرح ذیل می توان بیان نمود:

- شناسایی مشکلات و نارسایی های موجود در جهت اجرای مؤثر مجازات های اجتماعی
- بررسی وجود یا عدم وجود بایگانی جنایی معتبر و دقیق به عنوان یک پیش شرط اجرای مجازات های اجتماعی

ایجاد نگرشی سازنده و اصلاح گرانه به مجازات های اجتماعی در میان نهادهای پذیرنده خدمات اجتماعی و عام المنفعه
... نشان دادن ضرورت وجود قضات اجرای مجازات های اجتماعی آموزش دیده و متخصص در این زمینه
- ارائه راهکارها و پیشنهادات مؤثر به منظور ایجاد پیش شرط های اجرایی مجازات های اجتماعی

روش تحقیق

نظر به تمرکز بر کیفیت کار و ماهیت موضوع، این پژوهش با استفاده از روش توصیفی به مطالعه و بررسی پیش شرط های اجرایی مجازاتهای اجتماعی پرداخته است. و تأکید آن بر بررسی ابعاد مختلف موضوع با مراجعه به کتب و منابع مرتبط با موضوع، قوانین مربوطه خصوصاً لایحه قانونی مجازاتهای اجتماعی جایگزین زندان و آیین نامه سجل قضایی و بررسی استعمال های قضایی موجود از نهادهای اجرایی مرتبط با مجازات های اجتماعی می باشد.

نتایج و تحلیل داده ها

جرم و مجازات باید در بستر اجتماعی تعریف شوند.
عناصر کلیدی در تعیین جرم به عنوان عملی که باید مورد مجازات قرار گیرد، آسیب وارده، توافق اجتماعی و پاسخهای اجتماعی رسمی هستند.^۱ (Stuart Henry, ۲۰۰۶)
به این معنا که علاوه بر پاسخ های رسمی باید توافق اجتماعی را نیز در مورد این که چه عملی جرم است، در نظر گرفت. به همین دلیل تنها پاسخ های رسمی جوابگو نیستند،

^۱ Henry Stuart, Crime, The sage Dictionary of Criminology, P.۷۸

بلکه این پاسخ ها، با در نظر گرفتن توافق اجتماعی و دیدگاه نوع اجتماع مفید خواهند بود.

بنابراین واکنش ویژه ای که معروف به مجازات است، تحت تأثیر بر انگیزختن خشم اخلاقی مردم و نوع توافق اجتماعی که در این زمینه وجود دارد، علیه مجرمین اعمال می شود. در جوامع دمکراتیک تعیین کیفر در هر پرونده ای باید با در نظر گرفتن ارزشها و الگوهای عام مردم و هنجارهای درونی شده آنان صورت گیرد.^۱ (Franz Streng, ۲۰۰۷)

بنابراین مجازات های اجتماعی را نیز باید همسو با این مفهوم از بین توافق اجتماعی مردم برگزید و برای اجرای مؤثرتر آن لازم است که همراه با آموزش و فرهنگ سازی، نوعی توافق اجتماعی در میان مردم در گزینش این نوع مجازات ها به وجود آورد. برای مثال نهاد «تعلیق ساده» در بافت اجتماعی به معنای عدم مجازات است، در حالی که اگر «تعلیق مراقبتی» باشد، اثر بیشتری دارد. زیرا همراه با توافق اجتماعی در بستر جامعه ی ایران است. نگرشی ابزاری به مجازاتهای اجتماعی باعث گسترش شبکه (Netwidening) می شود؛ یعنی به جای اثر منفی یک مجازات، با ایجاد یک ضمانت اجرای دیگر، آثار منفی آن را گسترده تر کرده و مجرم را در یک نظام بروکراتیک تشریفاتی درگیر می کنیم.

در نظریه «تعیین کیفر» نیز که آن را از لحاظ مفهومی، پیچیده و مبهم می دانند، وجود اهداف متناقض در تحمیل مجازات، سبب می شود تا نظریات تعیین کیفر و معیارهای مناسب آن در عمل اجرا نشوند. مثلاً هدف بازدارندگی در جیس با هدف اصلاح و درمان و باز پروری در تناقض است.^۲

۱ . Streng, Franz, Sentencing in Germany: Basic Questions and New Developments, German Law Journal, P. ۱۲۱

۲ Blumstein , Alfred, Making Sentencing Policy More Rational and More Effective, Israel Law Reviv, P. ۱۰۸

^۱ (Blumstein, Alfred, ۱۹۹۱, Nestler, Cornelius, ۲۰۰۴) آن چه از لایحه مجازات‌های اجتماعی استنباط می‌شود، این است که زندان جای اصلاح و درمان نیست بلکه برای نگهداری مجرمان خطرناک است. در این زمینه می‌توان « نظریه مدیریت خطر » را مطرح کرد که بر این اعتقاد است که مجرم را نسبت به میزان خطری که برای جامعه دارد، باید کنترل کرد.

اساس و جوهر ضمانت اجراهای اجتماعی که در دهه ی اخیر گسترش یافته، مبنی بر این است که بزهدکار ملزم به اجرای برخی وظایف و تعهداتی گردد که منجر به اجتماعی شدن مجدد او شود.^۲ بنابراین مجازات های اجتماعی را که به هدف اصلاح و درمان مجرمان ظاهر شده اند، باید به عنوان نظامی جدید از مجازات ها در کنار سایر مجازات ها و نیز مجازات حبس قرار داد، تا هم اجرای مؤثرتری داشته باشند و هم هدف خود را با کارآیی کامل محقق سازند.^۳

پیش شرط های اجرایی مجازات های اجتماعی

۱- قاضی اجرای مجازات اجتماعی

از پیش شرط های مهم برای اجرای مجازات های اجتماعی ، قاضی اجرای مجازات است. قانون کشور فرانسه ضمن اصلاحاتی که در سال های اخیر در مقررات آیین دادرسی کیفری آن کشور انجام داده است، برای رسیدن به اهداف مورد نظر مجازات ها ، عنوان و سمت خاص و جدیدی به نام قاضی اجرای مجازات را پیش بینی و ایجاد کرده است. قبل از ۱۹۸۵ و در سیستم ناپلئونی ، قاضی محکمه بلافاصله پس از صدور حکم به کلی از موضوع فراغت حاصل کرده و در اجرای مجازات تعیین شده، هیچ

۱ - Nestler, Cornelius, Sentencing in Germany, Buffalo Criminal Law, P.۱۲۶

۲ - گودرزی بروجردی، محمد رضا، کیفرشناسی نوین. ص. ۷

۳ - دکتر فرجیها، محمد، تقریرات درسی جرم شناسی دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس

گونه نقشی نداشته و اساساً مقام اجراکننده حکم فاقد سمت قضایی بوده است. اختیارات و نقش قاضی اجرای مجازات در فرانسه صرفاً به محکومین حبس محدود نمی شود. بلکه با خارج شدن فرد زندانی از زندان نیز برخی نقش ها و وظایف را در این ارتباط به عهده دارد. در خارج از زندان اختیارات وسیعی بر عهده قاضی اجرای مجازات ها است. برای مثال قاضی اجرای مجازات درباره آزادی مشروط اظهار نظر می کند و مراقبت و معاضدت محکومینی که تحت نظام جدید مراقبت قرار گرفته اند را به عهده دارد. از جمله در قانون فرانسه محکومینی که پس از توافق با دادگاه ناگزیرند ساعاتی را در مؤسسات عمومی مانند شهرداری ها مشغول به کار شوند، توسط قاضی اعمال کننده مجازات باید در ابتدا و از نظر توانایی انجام کار به پزشک جهت معاینه (از نظر توانایی جسمی) معرفی شده و پس از تشخیص و تأیید پزشک، از طریق قاضی به یکی از نمایندگان کمیسیون Probation ارجاع تا این نماینده در یکی از نهادهای عمومی، کار متناسب با استعداد و توانایی محکوم را پیدا کرده و محکوم را به آن مرکز معرفی کند.^۱ قاضی اعمال کننده مجازات ها در فرانسه، نه تنها اختیاراتی در مورد اعمال و اجرای مجازات ها دارد، بلکه به موجب قانون می تواند مجازات محکوم را تقلیل دهد و یا اجرای مجازات را نسبت به محکوم معلق نماید یا مدت محکومیت او را تقسیم نماید. هنگامی که محکوم از خود حسن رفتار نشان دهد، قاضی اعمال کننده مجازات ها می تواند پس از کسب نظر کمیسیون اعمال مجازات ها، با تقلیل و کاهش محکومیت موافقت نماید. به عنوان مثال یکی از جهات تقلیل و کاهش میزان محکومیت این است که اگر محکوم از عهده امتحانات آموزشی دانشگاهی یا شغلی و حرفه ای بر آمده و آن را با موفقیت سپری نماید، این موفقیت در واقع نشانگر این است که محکوم با معارف جدیدی آشنا گردیده است. بنابراین، قاضی اجرای مجازات را کاهش می دهد.

در نظام قضایی ایران، قاضی اجرای مجازات به معنای اخص کلمه پیش بینی نشده است و در هیچ یک از قوانین و مقررات موضوعه و مصوب کشورمان چنین عنوان و سمتی وجود ندارد.

قوه قضاییه اخیراً لوایحی را تقدیم مجلس کرده است که در آنها جایگاهی برای قاضی اجرای مجازات ها پیش بینی شده است که از جمله ی این لوایح، «لایحه قانونی مجازات های اجتماعی جایگزین زندان» است که در بهار ۱۳۸۴ تقدیم مجلس گردیده و در سال ۱۳۸۵ کلیات آن به تصویب رسیده است

در تبصره ماده ۱۲ این لایحه از «قاضی اجرای مجازات اجتماعی» نام برده شده است. در ماده ۱۳ لایحه نیز تصریح شده است که قاضی اجرای مجازات اجتماعی به تعداد کافی مددکار اجتماعی و مأمور تعلیق مراقبتی در اختیار خواهد داشت. در مواد دیگر لایحه مانند مواد ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۹ وظایف و اختیاراتی به عهده ی این سمت قضایی گذارده شده است.

از جمله لوایح دیگر که در آن از این سمت قضایی نام برده شده بود، «لایحه تشکیل سازمان اجرای احکام کیفری» بود که برای اجرای کیفر، به تعداد لازم قاضی اجرای مجازات پیش بینی شده تا در اختیار سازمان یاد شده قرار گیرند، که متأسفانه لایحه ی اخیر مورد قبول مجلس شورای اسلامی واقع نشده و کلیات آن در مجلس مزبور رد گردید. در پیش نویس مواد مختلف «لایحه قانون آیین دادرسی کیفری» نیز که در حال تدوین است، از قاضی اجرای احکام کیفری نام برده است.

در قوانین فعلی ایران، اجرای احکام کیفری طبق ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب از وظایف دادرسی است که ریاست آن بر عهده دادستان می باشد. و دادیاران اجرای احکام و دادیاران ناظر بر زندان که تحت نظارت دادستان انجام وظیفه می نمایند، عهده دار وظایف قانونی دادستان در زمینه اجرای احکام کیفری می باشند.

در حال حاضر در خصوص آزادی مشروط و پرداخت جزای نقدی به صورت قسطی (موضوع ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی) و نیز تخفیف مجازات موضوع ماده ۲۷۷ قانون آیین دادرسی، دادیاران اجرای احکام اظهار نظر کرده و پرونده را جهت اعمال قانون به به دادگاه صادر کننده رأی محکومیت قطعی ارسال می دارند. ولی در مورد خروج زندانیان، اعطاء مرخصی به آنان، اعمال عفو زندانیان، دادیاران اجرای احکام هیچ گونه نقشی ندارند.

به علاوه اشکال دیگری که در نظام قضایی وجود دارد، این است که در واحدهای اجرای احکام دادرسی معمولاً از دادیاران تازه کار که بلافاصله پس از دوران کارآموزی ابلاغ دادرسی و آن هم از نوع درجه سوم آن را دریافت می دارند، استفاده می شود، در حالی که با توجه به حساسیت مرحله اجرای مجازات ها، ضرورت دارد که از یک مقام قضایی با سابقه استفاده شود.

خلاً و ضعف قانونی که در «لایحه قانونی اجرای مجازاتهای اجتماعی» مشاهده می شود، عدم پیش بینی شرایط و ویژگی ها و سوابق قاضی اجرای مجازات های اجتماعی است. بنابراین هیچ گونه قوانین و مقررات منسجم و مدونی که مشخص کننده ی نحوه ها اجرای مجازات های اجتماعی و مقام عهده دار این وظیفه باشد، پیش بینی نشده و تنها به صورت اجمال در این لایحه از مقامی به نام «قاضی اجرای مجازات اجتماعی» یاد شده است. اما در عمل در نظام قضایی کشور ما چنین سمتی وجود ندارد. در صورت تصویب قطعی این لایحه پیش بینی می شود که در اجرای مجازات های اجتماعی با مشکل روبه رو شویم.

۲- بایگانی جنایی دقیق و معتبر

پیش از این گفته شد که مجازات های اجتماعی درمورد مجرمینی به کار برده می شود که حالت خطرناک ندارند.

یکی از راه های پی بردن به وجود یا عدم وجود این حالت در مجرمان، مراجعه به سوابق کیفری آنان می باشد. برای این منظور لازم است قوه قضائیه دارای یک بایگانی جنایی دقیق و منظم بوده تا قاضی برای صدور حکم به مجازاتهای اجتماعی دسترسی آسان و سریع به پیشینه ی کیفری مجرمین داشته باشد.

برای مثال در ماده ی ۳ لایحه مجازات های اجتماعی برای جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن ها تا ۶ ماه حبس می باشد، صدور حکم به « مجازات اجتماعی» را الزامی دانسته اما موارد ذیل را مستثنی می کند:

الف: وجود پیشینه محکومیت قطعی بیش از یک فقره به ارتکاب جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن ها تا ۶ ماه حبس یا جزای نقدی یا شلاق تعزیری است، به شرط آن که از پایان اجرای محکومیت اخیر بیش از ۲ سال نگذشته باشد.

ب: وجود پیشینه محکومیت قطعی به ارتکاب جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن ها بیش از ۶ ماه حبس یا حد یا قصاص یا بیش از یک پنجم دیه کامل است، به شرط آن که از پایان اجرای محکومیت اخیر بیش از ۳ سال نگذشته باشد.

از ماده ۴ لایحه نیز ضرورت آگاهی از پیشینه ی کیفری مشخص می گردد.

در این موارد، دادرس برای صدور حکم به مجازات اجتماعی نیاز دارد تا از فقدان پیشینه ی کیفری متهم طبق مواد فوق الذکر مطمئن گردد. در غیز این صورت امکان اجرای دقیق این مقررات میسر نخواهد بود.

در برخی از کشورها، سوابق کیفری اشخاص از مهمترین اطلاعات موجود بوده و این سوابق به صورت متمرکز و یکپارچه در بانک اطلاعات جامعی نگهداری می شود و دسترسی به سوابق اشخاص برای دستگاه قضایی ظرف چند ثانیه امکان پذیر است، در ایران هنوز نظام یکپارچه بانک اطلاعاتی به وجود نیامده است و سوابق اشخاص توسط

نهادهای اطلاعاتی به صورت ناقص و پراکنده و با روش های سنتی و گاهی به صورت غلط نگهداری می شوند.^۱

در آیین نامه سجل قضایی مصوب ۱۳۸۴/۱۱/۲ ریاست قوه ی قضاییه که در حال حاضر ملاک عمل می باشد، به مستند قانونی یا مجوز قانونی جهت تصویب آیین نامه مذکور اشاره ای نشده و در ماده ۲۵ آن قید گردیده که آیین نامه ۱۳۲۱/۲/۱۹ ملغی است. در هر حال این آیین نامه که از بسیاری جهات مانند نحوه ی ضبط و نگهداری سوابق سجل قضایی اشخاص تفاوت چندانی با آیین نامه قبلی ندارد، اوراق سجل قضایی را از سه برگ به دو برگ تقلیل داده شده است و مقرر شده است که به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی تنظیم و به ترتیب تاریخ در پرونده مربوط ضبط گردد. ضمناً در این آیین نامه مدت زمان نگهداری برگ های سجل قضایی از ۹۰ سال به ۷۰ سال از تاریخ ولادت کاهش یافته است.

با توجه به مواد ۱۵ و ۱۶ آیین نامه قبلی و مواد ۱۳ و ۱۴ این آیین نامه، برگ های سجل قضایی باید با رعایت نام محکوم، به ترتیب الفبا تنظیم شود و به ترتیب تاریخ در پرونده مربوط ضبط گردد. در هر حال به نظر می رسد اگر چه در مورد تنظیم، ضبط و نگهداری اوراق سجل قضایی توسط مبادی ذی ربط اقدام شده است. ولی عملاً هنوز نمی تواند به طور کامل پاسخگوی نیازهای مبادی صدور گواهی عدم سوء پیشینه و سایر استعلام ها در مورد سوابق اشخاص باشد. ضمناً بر فرض این که بایگانی اوراق سجل قضایی کامل می بود باز هم نمی توانست به طور اطمینان بخشی مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا اولاً به کرات مشاهده شده است که مجرمان هنگام دستگیری و در خلال تحقیقات سعی در مخفی نگه داشتن هویت واقعی خود دارند. و اسناد هویتی جعلی ارائه می نمایند و یا برای این که هویت معمولی که ابراز کرده اند بر ملا نشود، مدعی می شوند که

^۱ . سهراب بیگ، امیر عباس، مجازات های اجتماعی و بررسی زمینه های اجرایی آن در نظام کیفری ایران، ص. ۲۷۱

مدارک هویت آن‌ها به سرقت رفته یا گم شده است و طبعاً سجل قضایی که بر اساس یک هویت معمول تنظیم گردد، اعتباری نخواهد داشت و نمی‌تواند به نحو اطمینان بخشی مورد بهره برداری بعدی قرار گیرد. ثانیاً با توجه به آمار جرایم و تعداد زیاد مجرمان در دراز مدت نگهدای انبوه اوراق سجل قضایی مجرمین در پرونده و ربط دادن سوابق مختلف هر مجرم به یکدیگر عملاً کاری مشکل و تقریباً غیر ممکن می‌باشد، کما اینکه در ماده ۱۳ این آیین نامه پیش بینی شده است که به منظور اجرای مقررات این آیین نامه و حفظ و نگهداری پیشینه و اطلاعات مربوط به محکومان دادگاه‌ها و تنظیم سجل قضایی... اداره ی کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی و دفاتر سجل قضایی استان‌ها و شهرستان‌ها به تدریج به سیستم رایانه ای مجهز خواهند شد.

لذا مبادی صدور گواهی عدم سوء پیشینه در حال حاضر برای سوابق اشخاص عملاً نمی‌توانند به بایگانی سجل قضایی متکی باشند و از آن استفاده نمایند و به ناچار براساس نتیجه انگشت نگاری و تعیین پیشینه ی آنان که توسط یگان‌های تشخیص هویت نیروی انتظامی انجام می‌شود، اقدامات اداری بعدی را انجام می‌دهند.

مدیر کل سجل کیفری و عفو و بخشودگی در پاسخ به استعلام به عمل آمده بیان کرده است که:

«به دلیل کمبود امکانات اداری اعم از پرسنل و مکان کافی مورد نیاز و مجهز نبودن این اداره به تجهیزات پیشرفته روز و هم چنین به دلیل این که علی رغم تکالیف قانونی موضوع مقررات مربوط، محکومیت قضایی و اداری تمام افراد جامعه از سوی مسئولین ذی ربط به این واحد اعلام و ارسال نمی‌گردد، دسترسی به سوابق دقیق افراد متعذر و متعسر است.»^۱

۱. استعلام شماره ۲۴۵۷۶/م/ح مورخ ۸۶/۳/۲، نقل از سهراب بیگ، امیر عباس، منبع پیشین. ص. ۲۷۵

با توجه به معنای Police clearance certificate که در کشور های خارج برای صدور گواهی عدم سوء پیشینه به کار می رود، لزوم ضبط و نگهداری سوابق مجرمان توسط پلیس آشکار می گردد. مراجع صدور گواهی عدم سوء پیشینه (دادسراها- اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی) عملاً بر اساس نتیجه انگشت نگاری و بررسی سوابق متقاضیان گواهی مذکور، در یگانهای تشخیص هویت ناجا در مورد صدور و یا عدم صدور آن تصمیم گیری و اقدام می نمایند که البته ضبط و نگهداری سوابق مجرمان توسط پلیس امری ضروری می باشد.

اما در این زمینه نیز مشکلاتی وجود دارد. برای مثال تا کنون برای انگشت نگاری از متهمین و مجرمان و ضبط سوابق آنان بر اساس ویژگی های اثر انگشت، قانون یا آیین نامه ی خاصی وضع نشده و صرفاً بر اساس یک رویه سنتی در سیستم پلیسی و قضایی عمل می شود و چون برای انجام آن قانونی وجود ندارد، طبعاً برای مدت نگهداری و اینکه در چه زمانی و تحت چه شرایطی کارت انگشت نگاری مجرمان و متهمان از بایگانی حذف گردد، نیز قانونی وجود ندارد.

بنابراین فقدان یک نظام بایگانی جنایی دقیق و معتبر، اجرای مجازات های اجتماعی را در عمل با مشکل مواجه می سازد.

۳- نهادهای پذیرنده

مؤسسات عمومی مانند بیمارستان ها، مراکز ارائه خدمات اجتماعی، شهرداری ها و مانند آن، نهادهای پذیرنده هستند. بزهکاری که به موجب حکم دادگاه به مجازات اجتماعی خدمات عام المنفعه محکوم گردیده است، به انجام کار رایگان در این مؤسسات مجبور می شود.

« سزار بکاریا » کار عام المنفعه را بردگی موقتی می داند که کار فرد مجرم را در خدمت جامعه قرار می دهد.^۱

برای اینکه این نوع مجازات اجتماعی قابل اجرا باشد به لوازم و شرایطی نیاز می باشد. نهادهای مدنی یکی از مهم ترین این لوازم می باشند. برای اجرای خدمات عام المنفعه که یکی از مهم ترین مجازات های اجتماعی می باشند. آگاهی دهی به افکار عمومی و نهادهای پذیرنده این گونه مجرمین لازم می باشد. در این میان رسانه های گروهی می تواند بیشترین نقش را داشته باشند: فیلم برداری و عکس برداری از کار عام المنفعه و نمایش نتایج آن به وسیله ی تصاویر و ارقام کار مشکلی نیست و بازتاب آن در رسانه های گروهی، موجبات آگاهی عمومی را فراهم می کند.

در فرانسه قضات اجرای مجازات های اجتماعی نه تنها در اقدام به قبولاندن این طرح ها به مراجع محلی و بخش داوطلب فعال بوده اند، بلکه بر اجرای روزانه آن نیز نظارت داشته و ارتباط سیستم قضایی را با این پدیده را حفظ کرده اند.

از دیگر مؤلفه های اساسی خدمات عام المنفعه، گزینش نهادها و افرادی است که اجرای کار عام المنفعه به آنان واگذار می شود.

این نهادها می توانند مراجع محلی داوطلب باشند. برای نمونه بنیادهای خیریه در فرانسه نقش بسیار مهمی در این زمینه دارند.^۲

برای اجرای موفقیت آمیز خدمات عام المنفعه لازم است که نهاد های پذیرنده در این زمینه آموزش های لازم را فرا گرفته و برای پذیرش این گونه مجرمین آمادگی قبلی داشته باشند.

نوع نگرش این نهادها به مجرمین محکوم به خدمات اجتماعی و مشارکت آن ها در اجرای طرح خدمات عمومی در تمام سطوح حائز اهمیت بسیاری می باشد.

۱. بکاریا، سزار، ترجمه محمد علی اردبیلی، صص ۱۰۶-۱۰۷

۲. دکتر آشوری، محمد، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، صص ۲۲۸-۲۲۹

برای این منظور در کشورهای مختلف اقداماتی در این راستا صورت گرفته است: در کشور فرانسه بر این امر تأکید می شود که کار عام المنفعه مستلزم همکاری دولت، کارفرمایان، شهرداری ها و سایر نهادهای ذی ربط با دستگاه قضایی است. به عبارت دیگر کار عام المنفعه باید در اداره های دولتی، شهرداری ها یا انجمن هایی که از نظر قوانین فرانسه برای همگان سودمند شناخته شده اند _ از جمله بنیادهای خیریه _ صورت گیرد. بنابراین انجام کار عام المنفعه در بخش خصوصی جایز نیست.^۱

کمیته ی ملی خدمات عمومی زیمباوه فهرستی از مؤلفه های اساسی را برای موفقیت طرح خدمات عمومی تهیه کرده است. که برخی از موارد آن عبارتند از:

- تعلق اراده ی رئیسان و مدیران مؤسسه ها و نهادهای مجری طرح به مشارکت در طرح و نظارت مناسب بر مجرمانی که به مؤسسه آن ها فرستاده شده اند.
- همکاری میان سازمان های دولتی و غیر دولتی

در کشور زیمباوه و در سال ۱۹۹۴ کمیته ملی برای « بالا بردن آگاهی عمومی و آموزش قضات و دیگر دست اندر کاران عدالت کیفری »، یک سلسله برنامه های آموزشی منطقه ای در مورد هدف ها و چگونگی اجرای طرح خدمات عمومی تشکیل داد. به دنبال آن، رهنمودها و راهکارهایی به قضات و مجریان طرح ارائه و چارچوب هایی برای استفاده دادگاه ها و مؤسسه های نظارت کننده بر اجرای حکم از سوی دادگاه تعیین شد.

در آگوست ۱۹۹۴ کادر گمارده شده پیش بینی شده در برنامه، اقدام به سازماندهی اجرایی خدمات عمومی کرد و کارهای اداری لازم برای تضمین استقرار مجرمان در مؤسسه های اجتماعی و گزینش یک سیستم مناسب را برای جریان منظم و مؤثر این طرح بر عهده گرفت.

۱. دکتر نجفی ابرند آبادی، علی حسین، حقوق جزای عمومی ۲، تقریرات دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

در کشور مالای نیز یک اجرای طرح آزمایشی شروع گردیده و در گزارش رئیس قضات مجستريت آمده است که آموزش هر چه بیشتر قضات صادر کننده و مؤسسه ها و نهادهاى اجرا کننده حکم نیز ضرورى است.

در نظام فعلی ایران با توجه به این که این نوع مجازات ها جدید بوده است و سابقه چندانی ندارند، نهادهاى پذیرنده در پذیرش مجرمان « محکوم به خدمات اجتماعى » با مشکلاتی مواجه هستند، که به طور اجمال به برخی از مهمترین آن ها اشاره می شود: نهادهاى پذیرنده بدون هیچ گونه اعلام آمادگی قبلی ملزم به اجرا می باشند. این امر سازمان پذیرنده را منفعل می سازد.

معاون اداری و مالی شهرداری تهران در پاسخ به استعلام معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه چنین بیان کرده است :

« اگر چه باز گرداندن محکومین قضایی به آغوش جامعه با هدف زمینه سازی اصلاح از شیوه های تربیتی شناخته شده در عصر حاضر است، لکن از آن جا که :
اولاً : بخش عمده ای از وظایف و فعالیت های شهرداری ها تخصصی است امکان به کارگیری این دسته از محکومین که فاقد تخصص یا لااقل تعهد اجتماعى هستند وجود ندارد.

ثانیاً: شهرداری ها بر اساس ماهیت وظایف محوله، بیشترین ارتباط را با شهروندان دارا هستند و نفس این ارتباط گسترده خود نا رضایتی هایی را در پی داشته و دارد و به کارگیری این دسته از محکومین می تواند مشکلات شهرداری را در این زمینه افزایش دهد.^۱

۱. سهراب بیگ، امیر عباس، همان، ص. ۲۱۶.

مشاهده می گردد که این گونه مؤسسات چندان تمایلی به پذیرش این گونه مجرمین ندارند و وجهه و اعتبار خود را با پذیرش این گونه مجرمین در میان مردم خدشه دار شده می دانند.

دغدغه های مدیریتی نهادهای پذیرنده، ترس از افشاء اسرار ادارات، گرفتن فرصت شغلی از سایر افراد جامعه، نداشتن انگیزه و تخصص لازم جهت ارائه خدمات توسط محکومین به مجازات های اجتماعی، از دیگر مشکلاتی است که در این زمینه وجود دارند.

فرهنگ سازی و آموزش لازم به نهادهای پذیرنده می تواند آن ها را برای اجرای مؤثر مجازات های اجتماعی آماده سازد. آموزش موضوعاتی چون ناکارآیی مجازات حبس در اصلاح و درمان این قبیل مجرمان، هزینه های سنگین مجازات حبس، صرفه اقتصادی مجازات های اجتماعی، توسعه خدمات دهی و رونق اقتصادی از طریق به کارگیری این قبیل مجرمین به نهادهای مدنی در این زمینه می تواند راهگشا باشد.

لایحه مجازات های اجتماعی در ماده ۱ تصریح کرده است که مجازات های اجتماعی جایگزین زندان با مشارکت مردم و نهادهای مدنی به شرح مواد این قانون اعمال می گردد.

در فصل سوم لایحه در ماده ۲۴ به ذکر این مختصر اکتفا گردیده است که انواع خدمات عمومی، فهرست دستگاه های اجرایی و نهادها، مؤسسات عمومی غیر دولتی پذیرنده محکومان به انجام خدمات عمومی، چگونگی همکاری آنان با قاضی اجرای مجازات اجتماعی جایگزین، کیفیت خدمات عمومی که محکوم علیه انجام می دهد و چگونگی نظارت بر آن، مطابق آیین نامه ای است که بنا به پیشنهاد رئیس قوه قضاییه به تصویب هیأت وزیران می رسد.

بنابراین باید به ایجاد زمینه های لازم و مناسب در این گونه نهادها برای عملی کردن مجازات های اجتماعی اقدام کرد.

پیشنهادات و راهبردها

- ۱- به مجازات های اجتماعی به عنوان نظامی جدید از مجازات ها در کنار سایر مجازات ها با هدف اصلاح و درمان مجرمان در بستر اجتماع نگریسته شود.
- ۲- مقررات مدون و منسجمی که بیان کننده نحوه ی اجرای مجازات های اجتماعی و وظایف و شرایط قاضی اجرای مجازات های اجتماعی می باشد، تدوین و تصویب گردد.
- ۳- قضات اجرای مجازات های اجتماعی از بین قضات با سابقه و دارای تخصص و آموزش دیده در زمینه اجرای مجازات های اجتماعی به این سمت منصوب شوند.
- ۴- قوانین جامع و متناسبی در مورد سجل قضایی که نیاز امروز نظام قضایی جامعه ایران را تأمین کند، در مرحله تدوین و تصویب قرار گیرد و تمام نهادهای مرتبط در این زمینه هر چه سریعتر به سیستم رایانه ای مجهز گردند.
- ۵- با استفاده از تجربه سایر کشورها به فرهنگ سازی در نهاد های پذیرنده و آموزش فلسفه، اهداف و مزایای مجازاتهای اجتماعی به این نهادها پرداخته شود.
- ۶- لایحه مجازات های اجتماعی مورد بازبینی قرار گیرد و خلأ های قانونی مربوط در زمینه پیش شرط های اجرایی در آن برطرف گردد.

نتیجه گیری:

مجازاتهای اجتماعی به عنوان نظامی جدید از ضمانت اجراها با هدف اصلاح و درمان مجرمین فاقد حالت خطرناک در بستر اجتماع می باشند. در نظام هایی مانند فرانسه که در زمینه ی مجازات های اجتماعی موفق بوده اند، قبل از پرداختن به امر دیگری سعی شده است تا زمینه های اجرایی این گونه مجازات ها را در اجتماع فراهم کرده تا مجازات های اجتماعی کارآیی و اثر بخشی لازم را داشته باشند.

در نظام عدالت کیفری ایران، به رغم پیشرفت هایی که در زمینه پذیرش این گونه مجازات ها شده است و نهضتی که هنوز در حال رشد است، نارسایی هایی در زمینه ایجاد پیش شرط های اجرایی مجازات های اجتماعی به چشم می خورد.

نبود مقام اجرایی مشخص تحت عنوان «قاضی اجرای مجازات اجتماعی» که بر اجرای این گونه مجازات ها نظارت داشته باشد، فقدان یک بایگانی جنایی دقیق و معتبر، که دادرس بتواند برای صدور حکم به مجازات اجتماعی آن را مد نظر قرار دهد و بر اساس احراز فقدان حالت خطرناک به این نوع مجازات ها حکم بدهد و عدم تمایل نهادهای مدنی برای پذیرش این قبیل مجرمین که ناشی از عدم آموزش و فرهنگ سازی لازم می باشد، از جمله موانع موجود بر سر راه اجرای دقیق مجازات های اجتماعی می باشند.

فهرست منابع :

- ۱- دکتر آشوری، محمد، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، چاپ اول، انتشارات گرایش، ۱۳۸۲
- ۲- انصاری، علیرضا، بایسته های مجازات اجتماعی در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد واحد نراق، ۱۳۸۵
- ۳- بکاریا، سزار، رساله ی جرایم و مجازات ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، چاپ سوم، نشر میزان، ۱۳۷۷
- ۴- پرادل، ژان، تاریخ اندیشه های حقوق کیفری، ترجمه ی دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳
- ۵- جانی پور، علی کرم، جایگزین های مجازات زندان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۵

۶- سهراب بیگ، امیر عباس، مجازات های اجتماعی و بررسی زمینه های اجرایی آن در نظام کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶

۷- دکتر کوشا، جعفر، جرایم علیه عدالت قضایی، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۷۷

۸- گودرزی بروجردی، محمد رضا، کیفر شناسی نوین، چاپ اول، انتشارات مجد، ۱۳۸۴

۹- دکتر فرجیها، محمد، تقریرات جرم شناسی دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۵

۱۰- نجابتی، مهدی، بایگانی جنایی، تحقیق درسی دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶

۱۱- دکتر نجفی ابرند آبادی، علی حسین، حقوق جزای عمومی ۲، تقریرات دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۸۰-۱۳۷۹

۱۲- لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان

۱۳- آیین نامه سجل قضایی ۱۳۸۴/۱۱/۲ مصوب رئیس قوه قضاییه

۱۴- Blumstein, Alfred (۱۹۹۱), making sentencing policy more rational and more effective, Israel law review, VOL: ۲۵

۱۵- Henry, Stuart (۲۰۰۶), Crime, The sage dictionary of criminology, London, Sage,

۱۶- Streng, franz, (۲۰۰۷), Sentencing in Germany: Basic questions and New Developments, German Law journal, VOL: ۸

۱۷- Nestler, Cornelius, (۲۰۰۴), Sentencing in Germany, Buffalo Criminal Law Review, VOL: ۷:۱۰۹